

الرحلة الكربلائية

حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی رحمته

تحقیق علی رفیعی علامرودشتی

پیشگفتار

حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی رحمته چنانکه در پیشگفتارهای الرحلة الشیرازية و الرحلة الاصفهانية ایشان اشاره کردیم در زمرة عالمان و شخصیت‌های بزرگ شیعه در روزگار ماست که سفرهای علمی پرباری به شهرهای مهم و تاریخی داشته؛ چه زمانی که در عراق می‌زیسته و چه در روزگاری که در ایران و قم اقامت داشته است. ایشان تنها در زمانی که در قم اقامت نموده‌اند - و این اقامت طولانی تا پایان عمرشان ادامه داشت - سفرهای متعددی به شهرهایی مانند: اراک، همدان، بوشهر، کازرون، شیراز، اصفهان، زنجان، قزوین، تبریز، ابهر، میانه، شاهرود، سبزوار، نیشابور و مشهد مقدس داشته و خود در آغاز الرحلة الاصفهانية چنین اشاره کرده‌اند: «سافرت في زمن اقامتي ببلدة قم المشرفة، الى عدة من بلاد العجم كالعراق العجم (اراک) و همدان و بوشهر و زنجان و تبریز و شاهرود و سبزوار و قزوین و اصفهان و نیشابور و شیراز و ابهر و میانج و غیره و اجتمعت بارباب الفضل بها فافتت و استفدت و أجزت فاستجزت شاكراً لأنعلمه، اجتناني برحمة من بين اقراني»^۱.

۱. «الرحلة الاصفهانية»، میراث شهاب، سال ششم، شماره اول (پیاپی ۱۹)، ص ۳۲.

میراث شهاب

آن فقید سعید در زمان اقامت در عراق و سکونت در نجف اشرف نیز، به شهرهای مهم و زیارتی عراق مانند: کربلا، کاظمین، بغداد، سامرا، حله و جز اینها، بارها سفر کرده است؛ بویژه به شهرهای زیارتی و مشاهد مشرفه که گاهی در سال چندین بار و بیشتر آنها سفرهای علمی - زیارتی بوده است.

در این مسافرت‌ها ایشان ضمن زیارت مشاهد مشرفه ائمه معصومین علیهم‌السلام و امامزادگان و مراقد متبرکه و مزار عالمان و بزرگان دین و ثبت و ضبط برخی مطالب راجع به آن اماکن مقدس و مزارات و مراقد، با شخصیت‌های علمی و فرهنگی و مذهبی و عالمان، فقیهان و محدثان و مدرّسان بنام و پرآوازه و دانشمند و فرزانه ملاقات نموده و از آنها استفاده کرده و اجازه‌های اجتهاد و روایتی و عرفانی گرفته و یا کتابهای حدیثی را نزد آنان قرائت نموده و گهگاه مباحثات و مناظراتی با برخی از آن عالمان داشته است.

ایشان در مورد سفر به سامرا دقیقاً به این نکات تصریح کرده و فرموده‌اند: «انتقلت سنة ۱۳۳۹، الی مشهد سرّ من رأی و اتخذته مسکناً و بقیت فیہ مدّة مکباً علی تحصیل العلوم، معرضاً عن معاشرۃ الخلق، مستأنساً برّبّی و استفدت من برکات العتبه السامیة و البقعة العالیة مالا یطیقه لسان القلم»^۱.

ره‌آورد این سفرها، غیر از استفاده‌های معنوی و عرفانی خاص، یادداشتهای گوناگون و متنوعی است در مورد اماکن مقدسه و مشاهد مشرفه و مراقد اولیاء الله و مزارات علما و بزرگان و بیان تراجم و وفیات آنان و ذکر تاریخچه بعضی از آن اماکن و مدارس و ابنیه و شرح چگونگی استجازه و افاده از عالمان دین و توضیح و شمارش کسانی که از آنها اجازه گرفته و یا از آنها روایت کرده است.

آیت الله مرعشی، چندین بار در کودکی، نوجوانی و جوانی، همراه پدر بزرگوارشان و یا به صورت مستقل به کربلای معلی مشرف شده است - مرسوم طلاب، علما و اهالی نجف اشرف بوده، در مواقع زیارتی مخصوص، پیاده یا سواره به کربلا عزیمت می‌کرده‌اند. در همین سفرهای مکرر و متعدد بوده که این یادداشتهای را نوشته‌اند که اتفاقاً برخی از آنها تاریخ‌دار هستند و اتفاقاً دو مورد از این یادداشتهای

۱. «الرحلة السامرائیة»، میراث شهاب، سال پنجم، شماره‌های سوم و چهارم (پیاپی ۱۷ و ۱۸)، ص ۴، پاورقی ۲؛ و نک: الاجازة الکبیرة، ص ۵۲۱.

میراث شہاب

مربوط به سال ۱۳۳۷ قمری، یعنی یک سال پیش از وفات پدرشان است. از جمله در گزارش اجازه آیت الله میرزا فضل الله مازندرانی نوشته‌اند: «اجازني في ۱۲ ربيع الاول سنة ۱۳۳۷ في كربلا»^۱ یا در مورد اجازه میرزا هادی بن سید علی بجستانی خراسانی ذکر نموده‌اند که: «اجازني يوم الجمعة، خامس جمادى الاول سنة ۱۳۳۷»^۲ و در مورد دیگر مربوط به سال وفات یا یک سال پس از رحلت پدرش می‌باشد که از جمله می‌توان به سفری که ایشان در سال ۱۳۳۸ یا ۱۳۳۹ قمری به کربلا نموده و از شیخ خلف درازی شاخوری بحرانی استجازه نموده است و در دست‌نوشته خطی ایشان به این صورت آمده است: «و في سنة الف و ثلاثمأة و تسع و ثلاثين او ثمان و ثلاثين، اجتمعت بحضرة الشيخ خلف المذكور في المشهد العلوي و في الحائر الحسيني و المدني أن يكتب اجازة للداعي...»^۳ و مورد دیگر سفری است که در ۱۳۳۹ قمری یعنی یک سال پس از درگذشت پدر گرامی‌اش به کربلا می‌داشته و چنین نوشته است: «در سال ۱۳۳۹ قمری هنگامی که در مدرسه قوام نجف اشرف طلبه بودم و در آن زمان کتاب حاشیه ملا عبدالله یزدی، در منطق را تدریس می‌کردم، زندگی‌ام به سختی و مشقت اداره می‌شد... از این رو به فکر توسل به سالار شهیدان حضرت ابا عبدالله الحسین افتادم و به کربلا رفتم...»^۴ اشاره کرد. بر این اساس گرچه بقیه یادداشتها تاریخ ندارند، با این حال می‌توان نتیجه گرفت که این یادداشتها بیشتر مربوط به همین فاصله زمانی سالهای ۱۳۳۷ تا ۱۳۳۹ قمری است و یا اندکی قبل و پس از این سالها.

این سفرها چنانکه اشاره شد، بیشتر زیارتی - علمی بوده است. به این شکل که ایشان ضمن زیارت مشاهد مشرفه و دعا و نیایش، گاهی در حوزه‌های درس عالمی برجسته و نامدار شرکت نموده و مدتی در کربلا مانده و در جلسات درسی آن عالم یا عالمان شرکت کرده که می‌توان حداقل به یک مورد آن که خود تصریح کرده، اشاره کرد: «فقرأت شمایل الترمذي على السيد عبدالوهاب الحنفي مفتي لواء كربلاء

۱. المسلمات في الاجازات، ۱۷۸/۲.

۲. همان، ۴۱۲/۲.

۳. مجموعة خطی آیت الله العظمی مرعشی نجفی رحمته، برگ ۲۷/الف.

۴. بر ستیغ نور، ص ۸۰-۸۴.

المقدسة في الدولة العثمانية و المدرّس الحائر الحسيني و خطيبه^۱ و گاهی در حرم مطهر حضرت ابا عبدالله الحسين عليه السلام با عالمی ملاقات و از ایشان طلب اجازه نموده است که به دو مورد به این شرح اشاره می‌کنیم:

۱. و منهم: المحدث الفاضل الطّبيب الرّياضي الجفري الرّملي الاديب الاخباري الشيخ حسن يوسف الكشميري الهندي الحائري... استجزت عنه في داخل الحرم قريب ضريح جدّي و مولاي سيد الشهداء عليه السلام.^۲

۲. و منهم: العلامة آية الله الشيخ عبد الهادي المازندراني... استجزت عنه في الحرم الشريف الحسيني فاجازني شفهيّاً.^۳

اوراق این سفرنامه چنان پراکنده بود که حقیر پس از صرف مدت یک سال با جستجوی مداوم در یادداشتها و مجموعه‌های خطی ایشان و مطالعه گسترده کتاب‌های الاجازة الكبيرة و المسلسلات فی الاجازات و سایر آثار و اجازات و سلسله یادداشت‌های پراکنده ایشان در مورد «المدفونين حول الحرم الحسيني»، این سفرنامه را با عنوان «الرحلة الكربلائية» مرتب و منظم نموده و ان شاء الله به ترتیب، تدریجاً در بخش‌های متعدد منتشر خواهم نمود. این قسمت که ملاحظه می‌فرمایید، بخش اول این سفرنامه است.

در تحقیقات و تعلیقاتی که بر روی این اوراق «الرحلة الكربلائية» انجام داده‌ام، کوشیده‌ام مطالب مختصر و مبهم را در حد امکان باز و روشن سازم و آنها را شرح و بسط کافی دهم. البته این ابهامات را با استفاده از منابع و سایر آثار خود ایشان مرتفع نموده و در تکمیل اصلاحات لازم، به سایر منابع مربوط مراجعه و آنها را در پاورقی‌ها معرفی کرده‌ام و هر جا که مطلبی نیاز به اصلاح داشته، با حفظ امانت، در پاورقی صحیح آن را از سایر منابع نوشته‌ام، بویژه، تاریخچه‌های تولد و وفیات علما را از منابع معتبر تصحیح نموده و آن مدارک را در پاورقی‌ها آورده‌ام.

نکته‌ای باید اشاره کنم که این سفرنامه با دیگر سفرنامه‌های ایشان، دو تفاوت عمده دارد:

۱. الاجازة الكبيرة، ص ۵۴۷.

۲. همان، ص ۴۶-۴۷.

۳. همان، ص ۹۶.

میراث شهاب

نخست اینکه «الرحلة الكربلائیة» به زبان فارسی و عربی است، یعنی بخشی از مطالب به عربی و بخش دیگر به فارسی است، برخلاف «الرحلة السامرائیة» و «الرحلة الشیرازیة» و «الرحلة الاصفهانیة» که کاملاً به زبان عربی هستند.

دوم اینکه مطالب و یادداشتهای «الرحلة الكربلائیة» بر خلاف آن سه سفرنامه، بسیار پراکنده و غیر منظم و بدون ترتیب بود که با کوشش فراوان به آن سروسامان داده‌ام و مرتب و منظم نموده‌ام و در واقع زبان و سیاق سفرنامه‌ای نداشته است، در حالی که آن سه سفرنامه دیگر، کاملاً حالت و سیاق یادداشتهای منظم و روزانه داشته‌اند.

گرچه آن سه سفرنامه پیش از این چاپ و منتشر شده‌اند، اما یقیناً سفرنامه کربلا و بیشتر یادداشتهای «الرحلة الكربلائیة» - بویژه نسبت به «الرحلة الشیرازیة» و «الرحلة الاصفهانیة» - سالها قبل از آنها تهیه شده است و ان‌شاءالله پس از چاپ این سفرنامه به صورت سلسله مقالات، یکباره همه آن سفرنامه‌ها را، به ترتیب تاریخی، به شکل کتابی مستقل منتشر خواهم نمود تا یکجا در اختیار همگان قرار گیرد.

نکته آخر اینکه وظیفه خود می‌دانم که از آیت‌الله زاده مرعشی نجفی، سرور و دوست بزرگوام حضرت حجت الاسلام و المسلمین کتابشناس، نسخه‌شناس و فهرست‌نگار ارزشمند جناب آقای دکتر حاج سید محمود مرعشی نجفی - ادام الله عمره الشریف - که در این راه مشوق این جانب بوده و مدام مرا مرهون الطاف خویش قرار داده و بی دریغ یادداشتهای پراکنده و مجموعه‌های خطی والد بزرگوامشان و سایر منابع و مآخذ را در اختیارم قرار داده‌اند، سپاسگزاری و تشکر کنم و همچنین از همسرم سرکار خانم میترا عسکری و دخترم شکوفه رفیعی که در تنظیم اوراق پراکنده و استخراج مطالب متن از منابع و آثار آیت‌الله فقید و سایر منابع مرا یاری داده‌اند و با شکیبایی و صبوری این مهم را پذیرا شده‌اند و گاهی در کوران کار بداخلاقی‌های مرا در مورد کارهایشان با مهربانی پاسخ داده‌اند نیز سپاسگزاری نمایم و همچنین از دست‌اندرکاران حروف‌چینی، غلط‌گیری و مقابله و امور چاپ و نشر کتابخانه قدردانی نموده و توفیق روزافزون و تندرستی آنها را از خداوند بزرگ مسئلت نمایم.

الرحلة الكربلائية

بخش اول

در سال ۱۳۳۹ قمری^۱، هنگامی که در مدرسه قوام نجف اشرف، طلبه بودم و در آن زمان کتاب حاشیه ملا عبدالله یزدی، در منطق را تدریس می‌کردم، زندگی‌ام به سختی و مشقت اداره می‌شد و هیچ راه فراری از دست فقر و تنگدستی نداشتم و هجوم ناراحتی‌ها بر قلبم سنگینی می‌کرد.

این مشکلات و ناراحتی‌ها عبارت بودند از: اخلاق ناپسند برخی از معتمین که به بیوت مراجع رفت و آمد داشتند، از رفت و آمد آنها به منزل مراجع، برای من سوء ظنی به همه مردم پیش آمده بود، چنانکه با کسی ارتباط برقرار نمی‌کردم و حتی نماز جماعت را در پشت سر افراد عادل نیز ترک کرده بودم؛ دیگر آنکه، یکی از منسوبین من به شدت از تدریس من جلوگیری می‌کرد و به استادم نیز گفته بود، مرا به درس خود راه ندهد؛ دیگر آنکه، مبتلای به بیماری حصه شده بودم و بعد از شفا از آن بیماری حالت کندذهنی و نسیان برایم پیش آمده بود؛ دیگر آنکه، بینایی چشمهایم بسیار کم شده بود؛ دیگر آنکه، از نوشتن عاجز شده بودم؛ دیگر آنکه، گرفتار فقر شدید و تنگدستی بودم؛ دیگر، در قلبم احساس نوعی بیماری روحی دائمی می‌نمودم؛ دیگر، تزلزلی در عقیده‌ام نسبت به بعضی از امور معنوی تدریجاً روی می‌داد؛ دیگر آنکه، امید داشتم خداوند سفر حج بیت الله الحرام را نصیبم کند، به شرط آنکه در مکه یا مدینه بمیرم و در یکی از دو شهر دفن شوم؛ دیگر آنکه، خداوند توفیق علم و عمل صالح را با همه گستره آن به من عنایت کند. آن مشکلات و این آرزوها، لحظه‌ای مرا آرام نمی‌گذاشت. از این رو به فکر توسل به سالار شهیدان حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام افتادم و به کربلا رفتم، در حالی که از مال دنیا فقط یک روپیه بیشتر نداشتم و با آن دو قرص نان و کوزه‌ای خریدم. وقتی وارد کربلا شدم، به جانب نهر حسینی رفتم و غسل کردم و به حرم شریف رفتم و پس از زیارت و دعا نزدیک غروب بود که به غرفه خادم حرم سید

۱. یعنی یک سال پس از درگذشت پدر گرامیشان.

میراث شهاب

عبد الحسين^۱، صاحب کتاب: بغية النبلاء في تاريخ كربلاء^۲، رفتم. وی از دوستان پدرم بود، از او اجازه خواستم که یک شب در حجره وی بمانم - زیرا ممنوع بود کسی شبها در حرم مطهر باقی بماند- ایشان موافقت کرد و من آن شب در حرم ماندم و پس از تجدید وضو به حرم مشرف شدم، فکر کردم که در کدام مکان از حرم شریف بنشینم. معمول این بود که مردم در طرف بالای سر می نشستند، ولی من فکر کردم امام در زندگی ظاهری خود متوجه فرزند خویش حضرت علی اکبر^{علیه السلام} بوده است، قطعاً پس از شهادت نیز، به سوی فرزند خود نظر دارد، از این رو در قسمت پایین پای آن حضرت و در کنار قبر علی اکبر^{علیه السلام} نشستم؛ اندکی از جلوسم نگذشته بود که صدای حزین قرائت قرآن را از پشت روضه مقدسه شنیدم، به آن طرف متوجه شدم، در آن هنگام پدرم را دیدم که نشسته بود و تعداد سیزده رحل قرآن، در کنار وی بود؛ در جلوی او نیز رحلی بود و قرآنی بر آن داشت و قرائت می کرد، به نزد وی رفتم و دست ایشان را بوسیدم و از حال ایشان پرسیدم، با تبسم پاسخ داد که در بهترین حالت و برخوردار از نعمتهای الهی است. پرسیدم: در اینجا چه می کنید؟ جواب داد: ما چهارده نفریم که در اینجا مشغول تلاوت قرآن مجید هستیم. پرسیدم: آنها کجا هستند؟ فرمود: به خارج حرم رفته اند. سپس با اشاره به رحلها؛ آن سیزده نفر دیگر را معرفی کرد که عبارت بودند از علامه میرزا محمد تقی شیرازی، علامه زین العابدین مرندي، علامه زین العابدین مازندرانی و اسامی بقیه آن سیزده نفر را نیز گفت که به خاطرمانده است. سپس پدرم از من پرسید که تو برای چه کاری به اینجا آمده ای، در حالی که الآن ایام درسی است؟ علت آمدنم را برایش شرح دادم. پس به من امر کرد که بروم و حاجتم را با امام^{علیه السلام} در میان بگذارم. پرسیدم امام

۱. سید عبد الحسين بن سید علی بن سید جواد بن حسن بن سلمان بن درویش بن احمد آل طعمه موسوی حائری کلیددار (۱۲۹۹-۱۳۸۰ق / ۱۸۸۲-۱۹۶۱م)، عالم فاضل، ادیب اریب، مورخ، محقق جلیل القدر یکی از بزرگان آل طعمه از خاندانهای علوی و اشراف قدیمی که کلیدداری آستانه حسینی و حضرت عباس به عهده آنان بوده است. وی در کربلا دیده به جهان گشود و پرورش یافت و نزد اساتید و شیوخ آنجا دانش آموخت و پس از وفات پدرش در ۱۳۱۸ قمری، وی به سمت کلیدداری حرم حسینی رسید. او صاحب کتابخانه ای بزرگ بود که در حمله ۱۳۳۳ قمری حمزه بک به کربلا، طعمه حریق شد. وی از دوستان سید حسن صدر، آقا بزرگ تهرانی و پدر آیت الله مرعشی نجفی^{علیه السلام} بود و دارای آثار و تألیفات بسیار است. او در روز جمعه ۱۲ شوال ۱۳۸۰ در کربلا دیده از جهان فرو بست و در همانجا دفن شد: طبقات اعلام الشيعة قرن الرابع عشر، ص ۱۰۵۸-۱۰۵۹؛ الذريعة، ۲۰/۳.

۲. کتاب بغية النبلاء في تاريخ كربلاء، به کوشش عادل کلیددار، در عراق و در ۱۹۶۶ م، چاپ شده است.

میراث شهاب

کجاست؟ گفت: در بالای ضریح است، تعجیل کن، زیرا قصد عیادت زائری را دارد که در بین راه بیمار شده است. بلند شدم و به طرف ضریح رفتم و آن حضرت را دیدم؛ اما برایم ممکن نبود که درست به صورت ایشان نگاه کنم، زیرا چهره مبارک آن حضرت، در هاله‌ای از نور پنهان بود. به حضرت سلام کردم و جوابم را داد و فرمود به بالای ضریح بیا. عرض کردم: من شایستگی ندارم که به نزد آن حضرت بیایم. پس به من اجازه داد در مکانی که ایستاده‌ام، بمانم، آنگاه به آن حضرت بار دیگر نگاه کردم. در آن هنگام تبسمی ملیح بر لبانش نقش بست و از من پرسید: چه می‌خواهی؟ من این شعر فارسی را قرائت کردم:

آنجا که عیان است

چه حاجت به بیان است

آن حضرت قطعه‌ای نبات به من عنایت کرد و فرمود: تو مهمان مایی! سپس فرمود: چه چیزی، از بندگان خدا دیده‌ای که به آنها سوء ظن پیدا کرده‌ای؟! با این سؤال در من یک دگرگونی پیدا شد و احساس کردم که دیگر به کسی سوء ظن ندارم و با همه مردم ارتباط و نزدیکی بسیاری دارم - صبح موقع نماز به مرد ظاهر الصلاحی که نماز می‌خواند، اقتدا کردم و هیچ ناراحتی و بدگمانی در من نبود.. سپس حضرت فرمود به درس خود بپردازم، زیرا آن شخص که مانع تدریس کردن تو بود، دیگر نمی‌تواند کاری بکند - من چون به نجف اشرف بازگشتم، همان شخصی که از نزدیکانم بود و مانع درس من می‌شد، خودش به دیدنم آمد و گفت: من فکر کردم که تو جز تدریس کردن راهی دیگر نداری..

آن حضرت مرا شفا داد و بینایی‌ام قویتر شد، پس قلمی را به من بخشید و فرمود این قلم را بگیر و با سرعت بنویس، پس از آن ناراحتی قلبم نیز برطرف شد و برایم دعا کرد که در عقیده‌ام نیز ثابت قدم بمانم.

دیگر حاجاتم نیز برآورده ساخت، غیر از مسئله حج که اصلاً متعرض آن نشد، شاید به دلیل شرطی که در سفر کردن به حج گذارده بودم؛ آن حضرت اشاره‌ای به آن موضوع نکردند.

۱. آیت الله العظمی مرعشی نجفی رحمته الله با اینکه به مقام مرجعیت رسید و مریدان و مقلدانش مبالغ زیادی برایش ارسال می‌کردند، هیچگاه مستطیع نشد. از این رو هیچگاه به حج مشرف نگردید.

میراث شہاب

الرحلة الكربلائية

سپس با آن حضرت وداع کردم و به نزد پدرم بازگشتم و از پدرم پرسیدم، آیا حاجتی و امری دارید یا خیر؟ پدرم گفت: برای تحصیل علوم اجداد خود بیشتر کوشش کن و نسبت به برادر و خواهرانت مهربان باش و دین اندکی به عبد الرضا بقال بهبهانی دارم که آن را پرداخت کن و من به نجف اشرف باز گشتم و دیگر همه آن ناراحتی و سوء ظن ها از بین رفته بود.^۱

[الرحلة للقراءة و طلب الاجازة و الرواية من علماء كربلاء]

إني رحلت الى كربلاء المقدسة مرات و في هذه الرحلات قرأت و استفدت و استجزت من اعلام كربلاء المقدسة، فبعض هذه القراءات و الاستجازات و الروايات كما يلي:

اما القراءة:

فقرأت «شمائل» الترمذي على السيد عبدالوهاب الحنفي مفتي لواء كربلاء المقدسة في الدولة العثمانية و المدرس الحائر الحسيني و خطيبه. كان فقيهاً، اديباً و محدثاً و ينتمي الى المذهب الحنابلة - عزله الحكومة عن المنصب الافتاء - رأيته في النجف الاشرف و استجزت عنه في الصحن الشريف العلوي. له آثار منها: نخيس قصيدة بصرية الذي طبع في بغداد و قرضه جماعة منهم: السيد ابراهيم الرفاعي. فهو يروي عن عدة منهم: خاله العلامة العارف الشيخ داود النقشبندی الخالدي و أنا أروي عنه.^۲

و اما الاجازات:

فاتي استجزت من عدة من علماء في كربلاء، من جملتهم:

۱. الفاضل الشيخ خلف بن محمد بن احمد بن العلامة الشيخ حسين آل عصفور - دام توفيقه - له كتاب: منتخب الفوائد في ترتيب الفوائد، التي في جملة من الادعية

والاحراز، مرتباً علی ثلاثة فوائد.^۱

و فی سنة الف و ثلاثمائة و تسع و ثلاثین او ثمان و ثلاثین، اجتمعت بحضرة الشیخ الخلف المذكور فی المشهد العلوی و فی الحائر الحسینی و واعدنی أن یکتب اجازة للّداعی - دام توفیقه - و هو ببلاد البحرین.^۲

۲. و منهم: المولی الأجلّ الأنبل الورع التّقی حجّة الاسلام و المسلمین السید محمد کاظم البهبهانی ابن العلامة السید حسین بن ابراهیم بن زین العابدین بن الدهدشتی.^۳

حضر فی الفقه و الاصول علی العلامة السید محمد حسین المرعشی و العلامة السید مرتضی کشمیری.

و غیرهم و نال الاجتهاد و هو یعدّ من العلماء الابرار و کان یسکن فی کربلاء المقدسة و یقیم الجماعة فی المسجد الواقع فی السوق، قریباً من الباب الکبیر، لصحن مولانا العباس علیه السلام الواقعة علی یمین الدّاخل للصحن الشریف:

توفی فی ۲۷ ربیع الثانی سنة ۱۳۴۵ فی کربلاء المقدسة.

یروی عن عدة منهم: العلامة الحاج المیرزا حسین الخلیلی الرازی و شیخ الشریعة الاصفهانی بطرقهما و اجازتی شفاهیة بنقل الاحادیث و التّروایات بطریقه.^۴

۱. شیخ خلف بن شیخ احمد بن محمد بن احمد بن حسین درازی شاخوری بحرانی (۱۲۸۵ - ۱۳۵۵ ق/ ۱۸۶۸ - ۱۹۳۶ م)، عالم فاضل و فقیه اصولی.

وی در شهر بوشهر و یا دالکی در شصت کیلومتری بوشهر دیده به جهان گشوده و پرورش یافت. سپس در ۱۳۰۶ قمری به نجف اشرف رفت و در آنجا نزد علما دانش آموخت و در ۱۳۱۴ قمری به بوشهر برگشت و پس از چندی به بحرین رفت و در آنجا اقامت نمود و به تبلیغ و ارشاد و تألیف و تصنیف پرداخت و سپس به کربلا سفر نمود و در آنجا اقامت کرد تا در شب ۲۵ رمضان ۱۳۵۵ در همان کربلا دیده از جهان فرو بست و در یکی از درگاه‌های صحن حسینی به خاک سپرده شد: اعیان الشیعة، ۳۲۸/۶؛ دانشمندان و سخن سرایان فارس، ۴۵۳/۲؛ معجم المؤلفین: ۱۰۴/۴؛ معجم رجال الفكر و الادب فی النجف، ص ۲۶۱؛ طبقات اعلام الشیعة (قرن الرابع عشر)، ص ۷۰۱؛ المسلسلات فی الاجازات، ۲۹۷/۲ - ۲۹۸؛ مجموعة خطی آیت الله مرعشی نجفی علیه السلام، برگ ۲۷/الف.

۲. مجموعة خطی آیت الله العظمی مرعشی نجفی علیه السلام، برگ ۲۷/الف.

۳. سید محمد کاظم بن سید حسین بن ابراهیم بن زین العابدین بن دهدشتی بهبهانی (متوفای ۱۳۴۵ ق/ ۱۹۲۶ م)، عالم فاضل و فقیه اصولی جلیل القدر.

۴. او در کربلا اقامت و در مسجد واقع در بازار نزدیک باب الکبیر صحن حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام اقامه جماعت می‌کرد و در ۲۷ ربیع الثانی ۱۳۴۵ در کربلا چشم از جهان فرو بست و در همانجا به خاک سپرده شد. آقا بزرگ تهرانی گوید: وی صاحب کتابخانه‌ای بزرگ و نفیس بوده است (نک: الذریعة، ۲۵۱/۲۴؛ الاجازة الکبیرة، ص ۲۱۱ - ۲۱۲).

۴. الاجازة الکبیرة، ص ۲۱۱ - ۲۱۲.

میراث شهاب

۳. و منهم: المحدث الفاضل الطبيب الرياضي الجفري الزملي الاديبي الاخباري الشيخ حسن يوسف الكشميري الهندي الحائري ابن احمد ميرزا بن محمد ميرزا بن محمد ابراهيم بن خيرة الله بن المولى مهدي الكشميري^۱ كان من فضلاء كربلا المشتغلين بطلب العلم و عالماً في العلوم الغربية و طبيباً حاذقاً و اخبارياً متصلباً وكان^۲ خبيراً في الختومات و الادعية و الاذكار و الطب اليوناني.

استجرت عنه في داخل الحرم قريب ضريح جدي و مولاي سيد الشهداء -سلام الله عليه- و انتقل في آخر عمره الى بلده لكهنو و بقي الى أن توفي حدود [سنة] ۱۳۴۵.

يروى عن جماعة منهم: والده المحدث الجليل الفقيه الاخباري الميرزا احمد الهندي، الميرزا احمد الهندي صاحب المتجر المعروف بـ «قيصرية الاخبارية» في السوق الواقع بين حرم مولانا الحسين و حرم مولانا العباس^۳ و كان شديدالتصلب في الاخبارية.^۲

۴. و منهم: العلامة آية الله الشيخ عبد الهادي المازندراني ابن المولى ابي الحسن المازندراني.^۳

۱. حسن يوسف بن احمد ميرزا بن محمد ميرزا بن محمد ابراهيم بن خيرة الله بن مولى مهدي كشميري هندي حائري (متوفى حدود ۱۳۴۵ ق/ ۱۹۲۶ يا ۱۹۲۷ م) محدث فاضل، طبيب رياضي، جفري زملي و اديب اخباري و از فضلاي كربلا و آگاه در الختومات و ادعيه و اذكار و طب يوناني.

وي از پدر خود ميرزا احمد هندي محدث و فقيه اخباري ساکن كربلا دانش آموخته، حديث شنیده و روايت کرده است. آيت الله العظمي مرعشي نجفي^۳ در حرم و نزديک ضريح حضرت ابا عبدالله الحسين^۳ از وي اجازه گرفته است. او در اواخر عمر خویش به شهر لکهنوی هند منتقل شد و در آنجا اقامت کرد و در همانجا دیده از جهان فرو بست و به خاک سپرده شد.

آقا بزرگ سال مرگ وي را ۱۳۵۴ قمری نوشته است و در موارد مختلفی از کتاب: الذريعة از او نام برده است و از کتابخانه نفيس او که داراي نسخه‌های خطی بوده نیز ياد کرده و موارد بسياری از آنها را در آنجا نام برده است (نک: الذريعة، ۱/۱۶۳ و ۳/۸۹، ۳۶۵، ۴۲۶، ۲۳۶ و ۲۸۲/۶ و ۴۶/۸ و ۲۲۷ و ۳۰۳/۱۱ و ۳۰/۱۲ و ۹۲، ۹۳، ۳۶۷/۱۳، ۲۳۹/۱۴، ۲۲۱/۱۵، ۲۵۱ و مواد فراوان ديگر). ضمناً از او به عنوان سبط حفيد مولى محمد على كشميري ملقب به «پادشاه» درگذشته فيض آباد هند در ۱۲۲۱ قمری، ياد نموده است: (الذريعة، ۷/۱۸۵؛ الاجازة الكبيرة، ص ۴۶ - ۴۷).

۲. الاجازة الكبيرة، ص ۴۶ - ۴۷.

۳. عبدالهادی بن مولى ابي الحسن مازندرانی حائري (متوفى ۱۳۵۳ ق/ ۱۹۳۴ م)، عالم جليل القدر و فاضل متورع پارسای. پدرش از فقيهان فاضل و از دوستان شيخ مرتضى انصاری بوده و از شاگردان برجسته وي. عبدالهادی در كربلا اقامت داشت و نزد مولى حسين اردكاني دانش آموخت و از شاگردان فاضل وي به شمار می رفت و چون مجدد شیرازی در ۱۲۹۱ قمری به سامرا رفت، وي نیز به سامرا هجرت کرد و در حوزه درس ایشان به فراگیری علوم

كان عليه السلام من تلامذة المولى الفاضل الاردكاني في كربلاء المقدسة، ثم هاجر الى سامراء و لازم درس المجدد الشيرازي، ثم عاد الى كربلاء و قام بالتدريس و الامامة و اشتغل لديه عدّة من الافاضل توفي في سنة ۱۳۵۳. ولده^۱ الخطيب الشهير الفاضل الشيخ مهدي صاحب كتاب معالي السطين^۲ و الكواكب الذري^۳.

استجزت عنه في الحرم الشريف الحسيني فاجازني شفهيًا^۴.

۵. و منهم: العلامة المحقق آية الله الشيخ علي الشاهروودي^۵.

ولد سنة ۱۲۸۸ و هاجر الى طهران و تعلّم المبادي و المقدمات بها، ثم هبط النجف الاشرف و حضر بحث المولى الخراساني صاحب الكفاية و برز بين اقرانه و تلاميذه و بعد وفاة استاذه الخراساني انتقل الى كربلاء و أقام بالتدريس.

له تعلیقة على العروة الوثقى و رسالة عملیة بالفارسیة مطبوعة.

توفي في ربيع الاول ۱۳۵۱ في الكاظمیة و حمل الى النجف الاشرف و دفن في

→ پرداخت و سپس به كربلا بازگشت و اعتبار و موقعیت ممتازی به دست آورد و جزو بزرگان علمای آن دیار به شمار آمد و در آنجا به انجام تدریس، امامت جماعت و ارشاد پرداخت تا اینکه در سال ۱۳۵۳ قمری، در كربلا دیده از جهان فرو بست. او پدر خطیب مشهور كربلا شیخ مهدی مازندرانی است که صاحب آثار و تألیفات بسیاری بوده و برخی از آنها چاپ شده است و برادرش شیخ جواد مازندرانی نیز، از عالمان فاضل كربلا بود که به اقامه جماعت در جانب رأس شریف در حرم حسینی اشتغال داشت.

آیت الله مرعشی از شیخ عبدالهادی در حرم شریف حسینی اجازه خواسته و وی به ایشان اجازه شفاهی داده است: (الاجازة الكبيرة، ص ۹۶، طبقات اعلام الشيعة (قرن الرابع عشر)، ص ۱۲۴۹ - ۱۲۵۰).

۱. در اصل: «والده» آمده که اشتباه است و شیخ محمد مهدی یا شیخ مهدی، پسر شیخ عبد الهادی است (نک: الذریعة، ۲۰۲/۲۱ و طبقات اعلام الشيعة (قرن الرابع عشر)، ص ۱۲۵۰).

۲. کتاب: معالی السطين در احوالات امام حسن و امام حسین علیهما السلام که بیش از ده بار چاپ شده است، از جمله: در نجف، سال ۱۳۵۶ قمری.

۳. کتاب الكواكب الذری پس از معالی السطين، در نجف، چاپ و منتشر شده است.

۴. الاجازة الكبيرة، ص ۹۶.

۵. علی بن محمد شاهرودی نجفی (۱۲۸۸ - ۱۳۵۱ ق / ۱۸۷۱ - ۱۹۳۲ م)، عالم فاضل و فقیه بارع جلیل القدر. وی در شاهرود، دیده به جهان گشود و پرورش یافت، سپس در طلب علم به تهران آمد، سپس برای تکمیل دانش خویش به عراق مهاجرت و در نجف اشرف، در حوزه درس آخوند خراسانی شرکت کرد و به زودی جزو شاگردان میرزا ایشان درآمد و پس از مرگ استادش به كربلا رفت و به دستور میرزا محمدتقی شیرازی مدت ۱۵ سال در كربلا ماند و به تدریس پرداخت و بالاخره برای معالجه به کاظمین رفت. وی در بیستم ربیع الاول ۱۳۵۱ در سن ۶۳ سالگی در کاظمین دیده از جهان فرو بست و جنازه شریفش به نجف منتقل و در درگاه باب صحن شریف علی از طرف بازار بزرگ به خاک سپرده شد. از آثار او است: تعلیقة على العروة الوثقى و رسالة علمیة فارسی که چاپ شده است: (طبقات اعلام الشيعة (قرن الرابع عشر)، ص ۱۵۱۸؛ الذریعة، ۳۵۵/۱۵؛ اعیان الشيعة، ۳۳۰/۸؛ معجم المؤلفین، ۵۰۷/۲؛ الاجازة الكبيرة، ص ۱۰۵).

میراث شهاب

الصحن الشريف و انجب اولاداً منهم الفضلاء وائمة الجماعة في كربلاء المقدسة و المشهد الرضوي.

اجازني شفهيّاً فهو يروي عن عدّة منهم: استاذه المحقق الخراساني بطريقه.^١
٦ و منهم: المحقق العلامة المنعزل عن الخلق و المستأنس بربه الكريم آية الله السيد آقا علي الحسيني المرعشي الشهرستاني الحائري بن العلامة السيد محمد تقي بن السيد محمد حسين بن السيد محمد علي الكبير المرعشي.^٢
ولد في كربلا المقدسة و بعد أن أتم المقدمات و السطوح هاجر الى سامراء، فحضر بحث آية الله السيد المجدد الشيرازي و بعد ذلك عاد الى كربلاء، فاشتغل بالتدريس و قضاء حوائج الناس و أصبح من الوجهاء و المعاريف و كان يرسل اليه الاموال الطائلة اصرفها على الطلبة و الفقراء توفي في محرم سنة ١٣٥٣.

يروي عن عدّة كما نص على ذلك حين ما اجازني شفهيّاً منهم: العلامة الحاج ميرزا محمد حسين المرعشي الحائري الشهرستاني بطريقه.^٣
٧ و منهم: العالم الزكي الوقاد حجة الاسلام آية الله السيد محمد صادق الحجة الطباطبائي الحائري بن العلامة السيد محمد باقر من سلالة صاحب الرياض

١. الاجازة الكبيرة، ص ١٠٥.

٢. سيد آقا علي بن سيد محمد تقي بن سيد محمد حسين بن سيد محمد علي كبير بن محمد اسماعيل بن محمد باقر حسيني مرعشي مشهور به «شهرستاني حائري» (متوفى ١٣٥٣ق/ ١٩٣٤م)، عالم فاضل و فقيه جامع جليل القدر و اهل تقوا و صلاح و سداد.

ابتدا نزد پدر خویش و ديگر علمای كربلا دانش آموخت و در آنجا پرورش يافت و مقدمات و سطح را آموخت و پس از سال ١٣٠٠ قمری به سامرا مهاجرت کرد و در آنجا در حوزه درس سيد محمد حسن مجدد شيرازی نزدیک به پنج سال شرکت کرد، سپس به كربلا بازگشت و به زودی مقبوليت عامه يافت و از دانشمندان و رجال مبرز كربلا گردید.

وی داماد حاج محمد باقر خان بافقی یزدی ساکن كربلا بود و بافقی مذکور داماد حاج محمد رحيم خان تاجر بزرگ و معروف در بمبئی بود. او در محرم ١٣٥٣ در كربلا دیده از جهان فرو بست و در همانجا به خاک سپرده شد و برادرش سيد علی اصغر در ١٣٦٠ و برادر ديگرش سيد هادی در محرم ١٣٥١ چشم از جهان فرو بستند. وی از عده ای چنانکه خود در اجازة شفاهی به آيت الله مرعشی نجفی داد، تصریح کرده، روایت نموده است و از آن جمله است: حاج ميرزا محمد حسين مرعشی حائري شهرستاني: طبقات اعلام الشيعة (قرن الرابع عشر)، ص ١٣٥٧ - ١٣٥٨؛ الاجازة الكبيرة، ص ١٠٧؛ الذريعة، ٢/ ٢٣٠، ٤٥١، ٤٥/١٦ و ٢٠٨/٢٤ که در این جلد، از کتاب وی به نام نظم حديث الكساء نام برده است).

٣. الاجازة الكبيرة، ص ١٠٧.

المیر سید علی الطباطبائی^۱.

ولد في كربلاء المقدسة، فقرأ المقدمات بها، ثم هاجر الى النجف الاشرف، فحضر بحث الشيخ محمد كاظم الخراساني في الفقه و الاصول و السيد الطباطبائي و صاحب العروة و غيرهم حتى نال درجة عالية من العلم و بعد وفاة والده عاد الى كربلاء المقدسة، اشتغل بالتأليف و التدريس و الامامة.

و من تالیفاته كتاب: الطهارة و الخمس و الوقف و هو كتاب مبسوط و عقد الدرر في قاعدة لاضرر^۲ و أحسن العدد^۳ و الروض المطول^۴ في نظم كفاية الاصول، طبع الجزء الاول، ای مباحث الفاظ و كان ينظم الشعر بأحسن اسلوب.^۵

توفي في ۲۳ ذي حجة الحرام سنة ۱۳۳۷ في كربلاء المقدسة و هو لا يتجاوز من العمر عن ثلاث و ثلاثين سنة و دفن في مقبرتهم الخاصة الواقعة بين حرمي الحسين و العباس عليهما السلام و اجازني شفهيّاً و أنا في ریحان الشباب؛ فهو يروي عن عدة

۱. سید محمد صادق بن سید محمد باقر بن ابی القاسم بن حسن بن سید محمد مجاهد طباطبائی حائری معروف به «حجة الطباطبائي» (۱۳۰۵ - ۱۳۳۷ ق/ ۱۸۸۸ - ۱۹۱۹ م)، عالم فاضل و فقيه اصولی.

آل الحجة خاندان شریفی در کر بلا هستند که نسبشان به فقیه بزرگ سید محمد طباطبائی مشهور به «مجاهد» فرزند «صاحب ریاض» بازمی گردد. سید محمد صادق که یکی از افراد این خاندان است، در کر بلا از دختر سید علی نقی آل بحر العلوم، دیده به جهان گشود و نزد پدرش پرورش یافت و مقدمات علوم را نزد وی و دیگر علما تلمذ کرد و سپس فقه و اصول و کلام و فلسفه و جز اینها را فرا گرفت و به مرتبة اجتهاد رسید؛ در حالی که هنوز در سنین جوانی بود. پس به نجف اشرف رفت و در حوزه درس آخوند خراسانی صاحب کفاية شرکت نمود و به زودی از زمرة شاگردان برجسته و ممتاز وی شد و بیشتر تقریرات دروس استادش را نوشت. او در نظم و نثر نیز چیره دست بود. پس از مرگ پدرش در ۱۳۳۱ قمری، ریاست جامعه علمی و مذهبی در کر بلا به او محول شد و به تدریس و نشر معارف و تألیف پرداخت و آثار فراوانی پدید آورد که برخی از آنها چاپ و منتشر شده اند؛ اما دیری نپایید که در ۲۳ ذی حجة ۱۳۳۷، در همان کر بلا دیده از جهان فرو بست و به خاک سپرده شد. طبقات اعلام الشيعة (قرن الرابع عشر)، ص ۸۶۲ - ۸۶۴؛ الذریعة، ۱/ ۱۲۳، ۲۸۷، ۴۵۸، ۴۷۵، ۴۸۵، ۴۹۲ و ۳۷۷/۴، ۳۸۵، ۳۸۷ و ۱۹/۷ و ۱۹۱/۱۱، ۲۷۷ و ۷۶/۱۶، ۲۸۷ و ۱۱/۱۷ و ۶۳/۲۰ و ۶۳/۲۳ و ۱۰۲، ۱۰۴؛ مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی، مشار، ۳/ ۴۸۴؛ معجم المؤلفین، ۳/ ۳۵۰؛ بروکلان، در ذیل، ۲/ ۸۰۳؛ اعیان الشيعة، ۳۶۷/۹؛ الاجازة الكبيرة، ص ۱۹۴ - ۱۹۵.

۲. کتاب عقد الدرر في قاعدة لاضرر در بغداد و در ۱۳۳۱ قمری چاپ شده است.

۳. کتاب أحسن العدد در بغداد به همراه عقد الدرر در بغداد و در ۱۳۳۱ قمری، منتشر شده است.

۴. کتاب الروض المطول نیز، به همراه دو کتاب پیش گفته در بغداد انتشار یافته است.

۵. از دیگر آثار او کتاب تقریظ الاسماع در نظم مسائل رضاع، در ۱۱۸ بیت، که همراه کتابهای پیش گفته او، در بغداد چاپ شده است. از دیگر آثار او تقریرات دروس استادش آخوند خراسانی؛ رسالة فی التقیة؛ حاشیة علی التبصرة علامة حلی؛ المنظومة الاصولية در ادلة عقلی؛ المنظومة الفقهية که این دو نیز، چاپ شده اند؛ رسالة الغيبة؛ الاستصحاب که در ۱۳۲۵ قمری نوشته است؛ کتاب الرهن که در ۱۳۳۰ قمری نوشته است؛ التعادل و التراجیح که در ۱۳۳۰ قمری نوشته است. شماری از این آثار را آقا بزرگ تهرانی دیده است و از آنها نام برده است.

میراث شہاب

منہم: استاذہ و والدہ العلامة السید محمد باقر الحجّة صاحب المنظومة في الامامة، عن عدة منهم العلامة الميرزا حبيب الله الجيلاني بطريقه.^۱

۸. و منهم: العلامة الفقيه المتكلم آية الله الشيخ ميرزا فضل الله بن محمد حسن بن علي بن علي محمد بن علاء الدين بن معين الدين بن الشيخ ابوالحسن المازندراني الحائري.^۲

تخرج اولاً على والده المولى محمد حسن المازندراني الحائري، الذي كان من علماء عصره الاعلام. ثم تتلمذ بالنجف الاشرف في الفقه و الاصول على الفاضل الايرواني و السيد علي بحر العلوم صاحب البرهان و أخيه السيد حسين بحر العلوم و السيد حسين الكوه كمرى و الحاج ميرزا حبيب الله الرشتي و المولى لطف الله اللاريجاني المازندراني و الحاج الشيخ زين العابدين المازندراني وغيرهم. سكن بکربلاء بعد طي المراحل العلمية بالنجف و بدأ بالتدريس لجماعة من طلاب الحوزة العلمية فتخرج عليه بعض الافاضل. كان ذا وجهة بين الناس وله مكانة محترمة في كربلاء، حتى رشح للتقليد و قلده بعض الكربلايين و لكن لم تتم له المرجعية.

اجازني في ۱۲ ربيع الثاني سنة ۱۳۳۷ في كربلاء.^۳

۹. و منهم: آية الله العلامة السید ميرزا هادي بن السيد علي بن السيد محمد بن الميرزا علي محمد بن الميرزا ابو طالب بن المير كلان البجستاني الخراساني

۱. الاجازة الكبيرة، ص ۱۹۴ - ۱۹۵.

۲. فضل الله بن محمد حسن بن علي بن علي محمد بن علاء الدين بن معين الدين بن شيخ ابو الحسن مازندراني حائري (متوفى ۱۳۴۴ یا ۱۳۴۵ ق/ ۱۹۲۵ یا ۱۹۲۶ م)، عالم فاضل و فقيه اصولي و از كبار علماء معمرين که دارای حافظه عجيبي بود و همگان به علم و فضل و اجتهاد وی، اذعان داشتند.

تاریخ تولد وی دانسته نیست. اما در کربلا و در سوق العباس سکونت نمود و عمری طولانی داشت و به گفته آقا بزرگ در ۱۳۴۴ قمری، ولی به نوشته دیگران در ۱۵ جمادی الاول ۱۳۴۵، در کربلا دیده از جهان فرو بست و در حجره متصل به مدرسه در صحن کوچک حسینی، به خاک سپرده شد.

او دارای آثار و تالیفاتی است که از آن میان می توان به کتاب مناسک حج وی که در بمبئی، ۱۳۴۲ قمری، چاپ سنگی شده است، اشاره کرد: (الذريعة، ۲۲/۲۷۰ و ۲۵/۵۱؛ مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی، مشار، ۴/۸۵۲ - ۸۵۳؛ احسن الودیعة، ۲/۹۴؛ علماء معاصرین، ص ۱۳۸) (یا ۲۳۱ - ۲۳۲) که آثار دیگری نیز به او نسبت داده اند، مانند: فضیلة العباد له خیرة المعاد؛ الطهارة؛ الاعلام زرکلی، ۵/۳۶۰؛ بروکلان، ذیل، ۲/۸۰۴؛ معجم المؤلفین، ۲/۶۲۷؛ المسلسلات فی الاجازات،

۱۷۸/۲؛ الاجازة الكبيرة، ص ۱۲۶ - ۱۲۷.

۳. المسلسلات فی الاجازات، ۱۷۸/۲.

میراث شہاب

الحائری^۱۔ اسمہ «علینقی» و لقبہ «الہادی» و لکن ہجر اسمہ و عرف بلقبہ بحیث لا یعرف الآبہ۔

ولد بکربلاء غزّة ذي الحجة سنة ۱۲۹۷ و استصحبه والده الى مشهد الرضا عليه السلام ثم عاد به الى كربلاء و هو في العاشر من عمره، فنشأ بها و قرأ على أعلام علمائها سنين. ثم انتقل الى النجف الاشرف فتتلمذ بها على السيد محمد كاظم الطباطبائي اليزدي ولمولى محمد كاظم الآخوند الخراساني و شيخ الشريعة الاصبهاني و في سنة ۱۳۲۰ انتقل الى سامراء و حضر أبحاث الميرزا محمد تقي الشيرازي و لازم الحضور لديه الى سنة ۱۳۳۶ حيث عاد معه الى كربلاء و لم يفارقه حتى وفاته.

و بالجمله كان المترجم من نوابغ العصر، سيمًا في الكلام و النظر و الجدل و ردّ شبهات المعاندين و أروي عنه بالخصوص «دعاء الحرز اليماني» المعروف بـ «السيفي» و كذا هذا الدعاء في قنوت الفرائض، أكد علي بالمدامومة عليه و هو: «اللهم اني أسئلك بحق فاطمة و أبيها و بعلها و بنيتها و السّر المستودع فيها أن تصلي علي محمد و أن تفعل بي ما أنت أهله و لا تفعل بي ما أنا أهله و كان عليه السلام زايد و المام في الجفر و الرّمل و الاعمال الشمسية و القمرية. نال بها من «سائح هندي» في كربلاء و كان يقول: استفدت منه كثيراً. حشره الله مع اجداده الطاهرين.

أجازني يوم الجمعة خامس جمادى الاولى سنة ۱۳۳۷ و توفي عليه السلام بکربلاء عشية الثلاثاء ۱۱ ربيع الاول سنة ۱۳۶۸ و دفن يوم الاربعاء في احدى حجرات صحن

۱. میرزا هادی بن سید علی بن سید محمد بن میرزا علی محمد بن میرزا ابوطالب بن میرکلان بجستانی خراسانی حائری (۱۲۹۷ - ۱۳۶۸ ق / ۱۸۸۰ - ۱۹۴۹ م)، عالم فاضل، فقیه اصولی، متکلم مدقق و ادیب اریب.

وی در کربلا دیده به جهان گشود و در همانجا پرورش یافت و در نجف و کربلا دانش آموخت، او نزد جمعی از علما بویژه آخوند خراسانی و سید کاظم طباطبائی، تلمذ نموده و سپس به میرزا محمد تقی شیرازی متصل و در حوزه درس وی شرکت کرد، سپس به تدریس و تألیف پرداخت. از جمله آثار وی، می توان به جوامع الکلم منظومه ای در نحو؛ انتقاد الاعتقاد فی المبدأ و المعاد؛ ازاحة الارتیاب فی حرمة ذبائح اهل الكتاب؛ مرقات الثقات؛ در رجال؛ طبقات الرواة؛ دعوة الحق در رد و هابیت؛ رساله فی القرعة؛ الاجازات که در آن اجازات مشایخ خویش را جمع کرده است؛ الصحف المطهرة، اجازاتی که خود به دیگران داده و تاریخ کربلا را نام برد. بیش از سیزده اثر وی در بغداد، نجف، تهران و مشهد چاپ و منتشر شده است. وی در ۱۱ ربيع الاول ۱۳۶۸، در کربلا چشم از جهان فرو بست و همانجا به خاک سپرده شد: علماء معاصرین، ص ۲۴۴ (یا ص ۳۸۲ - ۳۸۴)؛ احسن الودیعة، ۲۱۶/۱؛ الذریعة، ۵۲۶/۱، ۵۳۰ و ۲۶/۲، ۷۰، ۱۹۷، ۳۶۳، ۲۰۴/۴، ۳۲۰ و ۱۳۹/۵ و ۲۵۴/۶ و ۴۲/۸، ۱۳۱، ۲۰۸ و ۱۵۸/۱۰ و ۱۳۰/۱۲، ۲۳۸ و موارد دیگر؛ الاجازة الکبیرة، ص ۲۳۶ - ۲۳۷؛ مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی، ۷۱۷/۶ - ۷۱۹؛ المسلسلات فی الاجازات، ۴۰۸/۲ - ۴۱۲؛ معجم المؤلفین، ۴۸/۴؛ الاعلام زرکلی، ۳۸/۹.

الامام الحسين عليه السلام و ازخ بعض تاريخ وفاته بقوله:

أروع في تاريخه: (ما جد

هادي البرايا قر في الخلد)

ولع السيد بالتاليف و التصنيف منذ اوائل ايام شبابه و كان لا يفر عن الكتابة

بالرغم من انشغاله بالبحث و التدريس و الاعمال الاخرى.^١

و اما الرواية، فاتي أروي عن عدة من علماء كربلاء:

١. أروي عن العالم الجليل حجة الاسلام و المسلمين الميرزا ابو الحسن

الاخباري الحائري الهندي،^٢ ولد في الهند وتعلم المبادي و المقدمات في المدارس

لكهنو، ثم ذهب الى كربلاء المقدسة واشتغل بالتحصيل، حتى برع في الفقه

و الحديث و كان خبيراً بالاحاديث، متصلباً في طريقة الاخبارية و اشتهر بذلك و كان

يدرس الكتب الحديثية.

توفي حدود ١٣٤٥ في كربلاء المقدسة، يروي عن عدة، منهم: العلامة شيخ محمد

حسين المازندراني الحائري بطريقه.^٣

٢. و أروي عن العالم النحرير آية الله الحاج السيد ابو القاسم الطباطبائي

التبريزي المشتهر بـ «العلامة».^٤

١. المسلمات في الاجازات، ٢/٤٠٨ - ٤١٢.

از آثار چاپ شده او می توان از اجوبة الكرادة، بغداد؛ اصول الشيعة و فروع الشيعة، رسالة عملية، ٢ جلد، بغداد، ١٣٤١

قمری؛ اعجاز القرآن و اقامة البرهان على شرع الاسلام، نجف؛ الالفين في تحقيق اصول دين المصطفين، تهران؛ حجة البالغة،

مشهد ١٣٢٧ ش؛ دعوة الحق، در فضائل اهل بيت عليهم السلام بغداد، ١٣٤٧ ق؛ ذخيرة المعاد، رسالة عملية، بغداد؛ رسالة در اصول

دين شيعة و اساس احكام شريعه، مشهد، ١٣٢٧ ش؛ رسالة في جواز التشايه، در عزاداري عاشورا، بغداد، ١٣٤٨ ق؛ رسالة في

وجوب الحجاب حتى الوجه و الكتفين، بغداد؛ سبع المثاني، نجف؛ معجزات و كرامات ائمة اطهار، تهران، جلد اول، ١٣٧٦ ق

و بالآخره المعجزة و الاسلام، نجف: (مؤلفين كتب چاپی فارسی و عربی، ٦/٧١٨ - ٧١٩).

برخی از آثار دیگر وی که به صورت خطی باقی مانده و در کتابخانه های مختلف موجود است و آقابزرگ

تهرانی، به آنها در الذريعة اشاره کرده است.

٢. شرح حالی از وی در منابع جز آنچه در الاجازة الكبيرة آمده، نیافتم.

٣. الاجازة الكبيرة، ص ١١ و ٤٤٩ - ٤٥٠.

٤. سيد ابو القاسم بن سيد محمد رضا بن ابی القاسم بن شيخ الاسلام ميرزا علي اصغر تبريزي طباطبائي حائري مشهور

به «علامة»، عالم فاضل، فقيه اصولي جليل القدر.

وی در سال ١٢٨٦ قمری، در تبریر، دیده به جهان گشود و در همانجا پرورش یافت، سپس به همراه پدر

خویش، در سال ١٣٠٠ قمری به عتبات عالیات رفت و در آنجا نزد بزرگان و اساتید آن روز کربلای معلی دانش

میراث شہاب

ولد في تبريز سنة ١٢٨٦ وهاجر مع والده الى كربلاء سنة ١٣٠٠ وأخذ العلوم من اعلامها حتى برع في العلوم العقلية والنقلية.

و له مؤلفات عديدة في علوم مختلفة، منها: شرح نجات العباد في الفقه؛ لمعات الهداية في الاصول؛ لسان الغيب في الاستخراجات النجومية؛ التشجير في الاجازات وطرق العلماء، على نمط (مواقع النجوم) بل احسن منه و قد طبعناها مع مواقع النجوم منضماً.

كان اعجوبة في الحفظ و الذكاء و عاش مظلوماً، أخذ الله بحقه ممن آذاه من أبناء العصر و قد خرج من الدنيا مهموماً مغموماً، مزقتت الكبد من السننهم اللداغة.

كانت وفاته ليلة الجمعة ١٩ ربيع الاولي لسنة ١٣٦٢ في النجف الاشرف و دفن مع والده في الصحن الشريف.

يروى عن جماعة منهم: العلامة الحاج ميرزا حبيب الله الجيلاني، صاحب بدائع الاصول، بطريقه؛ يروي ايضاً عن العلامة الفاضل الشرايبياني و عن العلامة الشيخ محمد الحسن المامقاني و عن المولى النهاوندي، صاحب تشریح الاصول و عن العلامة شيخ الشريعة و عن والده العلامة الحاج ميرزا رضا الطباطبائي التبريزي بطرقهم التي ذكرها في المشجرة^١.

→ أموخت، تا به مدارج عالی علمی رسید، سپس خود به تدریس و تألیف پرداخت و آثار فراوانی پدید آورد. که برخی از آنها چاپ و منتشر شده اند. او سالها در حرم شریف حسینی، در قسمت مدفن شهدا به اقامه جماعت پرداخت و در منزل خویش به تدریس مشغول بود و برادرانش علم الهدی و مفید، از او استفاده می کردند. او چند برادر دیگر هم داشت که در تبریز می زیستند. یکی از پسرانش طبیب بود که در کربلا سکونت داشت و دیگری در نجف زندگی می کرد. وی بنا به نوشته آیت الله العظمی مرعشی نجفی رحمته اعجوبه ای در حفظ و ذکاوت بود. او در اواخر عمرش به نجف اشرف رفت و در شب جمعه ١٩ ربيع الاول ١٣٦٢، در همانجا دیده از جهان فرو بست و در کنار پدر خود در صحن علوی به خاک سپرده شد: طبقات اعلام الشيعة (قرن الرابع عشر)، ص ٦٦ - ٦٨؛ الذريعة، ١٠٤/٢، ٤٥١ و ٣٨٩/٦ و ٢٥٢/٨ و ٧٣/١١ و ٥٩/١٢ و ٣١/١٣ و ٢٥٤، ٣٤/١٥ و ٢٣٥/١٦، ٢٥٢ و ١٨٦/٢١، ٣٣٧ و ٢٣٠/٢٦، ٢٨٤؛ الاجازة الكبيرة، ص ١٧ - ١٨؛ مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی، ٢٦٦/١ - ٢٦٧.

١. الاجازة الكبيرة، ص ١٧ - ١٨.

آثار چاپ شده از ایشان، عبارتند از: اکیل الرشد فی تحقیق المعاد، تبریز؛ دلائل الغیب فی الاستخارة، تبریز، ١٣٠٧ ق؛ رساله عملیه، تبریز، ١٣١٩ ق؛ مشجرة علمای امامیه، تهران، ١٣٧٨ ق، چاپ سربی و سنگی در قطع بزرگ؛ نوامیس الالهية فی ابواب المعاملات الشرعية، به کوشش سید مجتبی حسینی، تبریز، ١٣١٥ و بالآخره کتاب: التشجير فی الاجازات و طرق العلماء که آیت الله العظمی مرعشی آن را با کتاب: مواقع النجوم درقم به چاپ رسانیده اند.

۳. و أروي عن العالم الجليل و الحبر النبيل الحجة السيد احمد بن محمد باقر البهبهاني الحائري.^۱

كان من العلماء و المحققين، حضر في النجف الاشرف على الشيخ هادي الطهراني و الفاضل الايرواني و في كربلاء المقدسة على الشيخ زين العابدين المازندراني و غيره و نال قطعاً و افرأ من الفضل و الكمال و كانت له اجازات عديدة من اساتيده المذكورين و من شيخ محمد حسن آل يس و الميرزا الشيرازي.

من مؤلفاته: معين الوارثين^۲ و هي رسالة في الموارث، طبعت سابقاً و حاشيه على القوانين^۳ و رسالة في المنجزات و رسائل اخرى.^۴ توفي في محرم ۱۳۵۱ هـ.

۴. و أروي عن حجة الاسلام و المسلمین الخبير بالحديث المولوي الشيخ ضيف الله الكهنوي الهندي.

ولد في سنة ۱۲۸۵ و تعلم المبادي و المقدمات في لكهنو و هي بلدة من بلاء الهند، ثم نزل كربلاء المقدسة و حضر عند الفاضل الاردكاني و الشيخ زين العابدين المازندراني، ثم انصرف بالتدريس و كان يدرس الكتب الاربعة و غيرها من كتب الاحاديث.

توفي حدود ۱۳۴۱ في الحائر الشريف الحسيني و دفن في الوادي الايمن من مقابر كربلاء، يروي عن جماعة منهم: صاحب العبقات بطرقه المذكورة و لشيخنا المولوي ضيف الله مؤلفات منهما كتاب في بطلان العول و التعصيب.^۶

۱. سيد احمد بن محمد باقر موسوي بهبهاني حائري (متوفى ۱۳۵۱ ق/ ۱۹۳۲ م)، عالم فاضل و فقيه اصولي. محل و تاريخ تولد و دانسته نيست؛ ولي ابتدا در نجف دانش آموخته، سپس به كربلا رفته و در آنجا از اساتيد و شيوخ وقت كسب فيض نموده و به مدارج بالاي علمي و اجتهاد نائل شده و از اساتيد خویش اجازات متعدد دریافت کرده است كه از آن میان می توان به اجازات وی از میرزای شیرازی، شیخ محمد حسن آل یس و شیخ هادی طهرانی نجفی اشاره کرد. وی آثار و تألیفاتی دارد كه آقا بزرگ نیز به آنها اشاره کرده و برخی از آنها را آیت الله مرعشی نجفی رحمته، در ترجمه وی اشاره نموده است و بعضی از آنها را سید محسن امین آورده، مانند: انیس الطلاب و تذكرة الاحباب، در علوم متفرقه و الفريدة النحرية. او در محرم ۱۳۵۱ قمری در تهران دیده از جهان فرو بست و همانجا نیز، به خاک سپرده شد: طبقات اعلام الشيعة (قرن الرابع عشر)، ص ۹۱؛ الذريعة، ۴۴۱/۱ و ۴۵۹/۲ و ۳۳۳/۳ و ۲۲۱/۱۶ و ۱۲۰/۱۷ و ۲۸۷/۱۳ و ۲۸۷/۲۱ و ۱۶/۲۳؛ اعيان الشيعة، ۸۷/۳؛ معجم المؤلفين، ۲۵۳/۱؛ مؤلفين كتب چاپی فارسی، مشار، ۳۶۵/۱ - ۳۶۶؛ الاجازة الكبيرة، ص ۲۲ - ۲۳.

۲. كتاب معين الوارثين به صورت مجداول در تهران و در ۱۳۰۹ قمری، با درر المنتور چاپ سنگی شده است.

۳. كتاب حاشية القوانين وى تبين القوانين نام دارد.

۴. كتاب: اعلان الاعلام فى لآلى الاحمدية و ايضاح المرام وى نیز، در تهران و در ۱۳۶۳ قمری چاپ شده است.

۵. الاجازة الكبيرة، ص ۲۲ - ۲۳.

۶. همان، ص ۶۶ - ۶۷.

۵. و أروي عن العلامة الزاهد حجة الاسلام آية الله الاستاذ الحاج ميرزا علي الحسيني المرعشي الشهرستاني الحائري^۱.

ولد في كربلاء المقدسة وتعلّم بها و حضر بحث عدة من العلماء الاعيان و على رأسهم والده العلامة الميرزا محمد حسين المرعشي الشهرستاني صاحب كتاب غاية المأمول في علم الاصول^۲، حتى بلغ درجة عالية من العلم توفي سيدنا المجيز^۳ في رجب ۱۳۴۴ في كربلاء المقدسة له مؤلفات راقية في الفقه و الاصول والتفسير وغيرها، منها: سفينة النجاة^۳ وكنز الفوائد^۴ و شرح خلاصة الحساب و شرح باب الحادي عشر في الكلام و رسالة في قاعدة الاعراض^۵ و شرح علي وجيزة البهائي^۶ و رسالة في قاعدة اليد و رسالة في قاعدة لا ضرر و نتيجة الفكر في الولاية على البكر^۷ يروي عن عدة منهم: والده آية الله الميرزا محمد

۱. سيد ميرزا علي بن سيد ميرزا محمد حسين بن محمد علي حسيني شهرستاني حائري (۱۲۸۰ - ۱۳۴۴ق/۱۸۶۳، ۱۸۶۴ - ۱۹۲۶م)، عالم بارع و فقيه فاضل جليل القدر اصولي، مفسر و متكلم عظيم الشأن.

وی در كربلا دیده به جهان گشود و در همانجا و در دامن پر مهر پدر بزرگوارش پرورش یافت و دانش آموخت و همچنین از دیگر بزرگان روزگار خود کسب فیض کرد تا اینکه به درجات عالی رسید و حظ وافری از فضل به دست آورد و آنگاه که پدرش در ۱۳۱۵ قمری در كربلا دار فانی را وداع گفت، ایشان جای پدر را گرفت و به اقامه جماعت و مرجعیت امور عامه و شرعیه در كربلا پرداخت و در میان مردم منزلتی والا کسب کرد و به تدریس و تألیف آثار گرانتقدری پرداخت، تا اینکه در ۱۱ رجب ۱۳۴۴ چشم از جهان فرو بست و همانجا به خاک سپرده شد. چنانکه آیت الله مرعشی اشاره کرده اند، وی از مشایخ روایتی ایشان بوده است: طبقات اعلام الشيعة (قرن الرابع عشر)، ص ۱۴۱۰ - ۱۴۱۱؛ ریحانة الادب، ۲/۲۷۴، ذیل شرح حال پدرش؛ مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی، مشار، ۴/۲۱۰ - ۲۱۱؛ فهرست کتابهای چاپی عربی، ص ۱۲۷، ۳۵۹، ۴۱۱، ۴۷۳، ۴۷۵، ۴۷۶، ۴۸۱، ۹۰۹؛ معجم المؤلفین، ۲/۵۰۱ (که دو بار شرح حال وی را در همان صفحه با اندکی تغییر آورده است)؛ الاجازة الکبيرة، ص ۱۰۷ - ۱۰۶؛ الذريعة، ۲/۲۰۷، ۲۳۶، ۴۶۶ و ۱۸۳/۳، ۳۲۲، ۳۳۱، ۴۵۵، ۴۷۴ و ۲۵/۴، ۱۳۰ و ۲۸/۵، ۱۸۳ و موارد متعدد دیگر (نک: فهرس اعلام الذريعة، ۲/۱۵۸۶ - ۱۵۸۷).

۲. نام درست این کتاب غاية المأمول و نهاية المأمول في علم الاصول است که در تهران و سالهای ۱۳۰۸ - ۱۳۱۱ قمری، چاپ شده است.

۳. در کتاب: الذريعة، ۱۲/۱۹۹ کتاب سفينة النجاة را به ميرزا محمد حسين شهرستاني نسبت داده که پدر ميرزا سيد علي است، اما تاريخ وفاتی که پس از نام ميرزا محمد حسين آورده ۱۳۴۴ است که سال درگذشت سيد علي است.

۴. کتاب: کنز الفوائد شبیه کشکول است.

۵ و ۶. هر دو رساله قاعدة الاعراض و شرح الوجيزة به اسامی رساله في مسألة الاعراض عن المال و الدرّة العزیزة في شرح الوجيزة در مجموعه ای از چند رساله وی در تهران و سال ۱۳۲۰ قمری، چاپ شده است.

۷. رساله نتيجة الفكر في الولاية على البكر در همان مجموعه یاد شده با عنوان رساله في الولاية على البكر چاپ و منتشر شده است و در همین مجموعه، رساله های: رساله في معرفة حکم المشکوک من اللباس و رساله في معرفة وقت المغرب نیز چاپ و منتشر شده است. از دیگر آثار چاپ شده وی می توان به بیان البرهن في عرس قاسم بن الحسن، تحفة المؤمنین، رساله عملیه، بغداد، ۱۳۳۹ قمری؛ الجامع في ترجمة النافع که همان شرح باب الحادی عشر است، تهران، ۱۳۲۵ قمری، سبیل الرشاد، رساله عملیه، نجف، ۱۳۴۱ قمری، مناسک الحج نجف، ۱۳۴۱ قمری؛ منتخب الرسائل، رساله عملیه، تهران، ۱۳۱۹ در دو جلد، هدایة المؤمنین، تهران، ۱۳۳۷ قمری را نام برد.

حسین المرعشی الشهرستانی.^۱

۶ و آروي عن العلامة زين المتكلمين حجة الاسلام و المسلمين الشيخ على بن زين العابدين المازندراني الحائري الشهير بـ «شيخ العراقيين».^۲
ولد في كربلاء المقدسة و تربى في حجر ابيه و تتلمذ على ابيه و الفاضل الاردكاني. له مؤلفات منها كتاب: فهرست الجواهر.
توفي في ۲۳ شوال ۱۳۴۵ و دفن في مقبرتهم الواقعة في باب قاضي الحاجات احدا ابواب الصحن المقدس الحسيني على يمين الخارج من الصحن.
يروى عن عدة منهم: والده الجليل آية الله الشيخ زين العابدين البار فروشي الحائري عن عدة، منهم: شيخه صاحب الضوابط بطريقه.^۳
۷. و آروي عن العالم المحقق حجة الاسلام آية الله الشيخ غلامحسين المرندي الحائري.^۴

۱. الاجازة الكبيرة، ص ۱۰۶ - ۱۰۷.

۲. علی بن زین العابدین مازندرانی حائری، مشهور به «شیخ العراقيين» (متوفای ۱۳۴۵ یا ۱۳۴۶ق/ ۱۹۲۶ یا ۱۹۲۷م)، عالم فاضل، فقیه اصولی، متکلم مدقق.

تاریخ تولد وی دانسته نیست، اما در کربلا پا به هستی نهاد و در دامان پدر بزرگوارش پرورش یافت و دانش آموخت و همچنین در آنجا نزد اساتید و شیوخ وقت از جمله فاضل اردکانی کسب فیض کرد و خود به تدریس و اقامه شعائر مذهبی پرداخت و در همانجا به تألیف و تصنیف پرداخت که از آن میان کتاب: فهرست الجواهر وی در تهران و در ۱۳۱۷ قمری چاپ سنگی شده است.

اثر دیگر او کتاب الانصافیه، در اصول دین، به زبان فارسی است که در ۱۳۱۷ قمری به زیور طبع آراسته شده است. این کتاب در لکهنو چاپ گردیده است.

وی به گفته برخی در ۱۳۴۵ و به گفته بعضی روز در ۲۳ شوال ۱۳۴۵ در کربلا چشم از جهان فرو بست و در مقبره خانوادگی خود که در باب قاضی الحاجات - یکی از درهای صحن مقدس حسینی است - در سمت راست خروجی به خاک سپرده شد: احسن الودیعة، ۱/۱۱۹؛ طبقات اعلام الشيعة (قرن الرابع عشر)، ص ۸۰۵، ذیل شرح حال پدرش؛ فهرست کتابهای چاپی عربی، مشار، ص ۶۸۵؛ الذریعة، ۲/۳۹۹ و ۱۶/۳۸۳ و ۲۴/۵۶؛ مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی، ۴/۲۶۱؛ مجله یغما، سال ۵، شماره ۸، ص ۳۹۵؛ الاجازة الكبيرة، ص ۱۱۰ - ۱۱۱.

۳. الاجازة الكبيرة، همانجا.

۴. غلامحسین مرندی (متوفای حدود ۱۳۴۲ق/ ۱۹۲۳ یا ۱۹۲۴م)، عالم فاضل و فقیه اصولی. تاریخ تولد و نسب وی مشخص نیست، اما در مرند دیده به جهان گشوده و پس از فراگیری مقدمات به عتبات عالیات رفته و در نجف اشرف فقهران نزد میرزا حسین خلیلی و اصول رانزد شیخ محمد کاظم خراسانی صاحب کفایة، فرا گرفته و از دیگر عالمان نجف نیز، کسب فیض نموده، سپس به کربلائی معلی عزیمت نموده و در آنجا رحل اقامت افکنده و به اقامه جماعت و احیای شعائر دینی و تدریس پرداخته و همگام با آن آثاری در فقه و اصول پدید آورده که آیت الله مرعشی نجفی رحمته الله به آنها اشاره کرده اند. غیر از علمای یاد شده در متن، ایشان از شیخ محمد حسن آل یس نیز، روایت کرده است و میرزاهادی بجستانی از او روایت نموده است. او در کربلا دیده از جهان فرو بست و در همانجا نیز، به خاک سپرده شد: طبقات اعلام الشيعة (قرن الرابع عشر) ص ۱۶۵؛

الذریعة، ۷/۱۰۱، ۱۰۹، ۱۱۱؛ الاجازة الكبيرة، ص ۱۲۰؛ المسلسلات في الاجازات، ۲/۴۰۹؛ گنجینه دانشمندان، ۷/۳۳.

میراث شہاب

كان ﷺ من علماء كربلاء و مدرسيها في الفقه و الاصول؛ تتلمذ على الميرزا حسين الخليلي و المولى محمد كاظم الخراساني و غيرهما في الفقه و الاصول و نال مرتبة عالية في العلم، ثم هاجر الى كربلاء المقدسة و أقام بالتدريس و التأليف و كان يقيم الجماعة في الصحن الشريف الحسيني مقابل باب الزينية.

و من آثاره: الحاشية على الكفاية و الحاشية على المكاسب و الحاشية على كتاب طهارة الشيخ الانصاري.

توفي حدود ١٣٤٢ و يروي عن عدة منهم: السيد محمد حسين المرعشي الشهرستاني الحائري و عن الميرزا ابي القاسم الطباطبائي الحائري و المحدث الثوري صاحب المستدرک بطرقهم.^١

٨. و أروي عن العلامة المتكلم المحدث حجة الاسلام و المسلمين السيد كلب باقر الهندي.

ولد في الهند و تعلم المبادي و المقدمات بها، ثم هاجر الى العراق و تفقه على اعلام النجف و اختص بشيخ الشريعة الاصفهاني و نال قطاً و افرأ من العلم و الفضل. هاجر من النجف الاشراف الى كربلاء المقدسة و سكن بها. كان ﷺ من الاعلام و المدرسين في كربلاء المقدسة و حضر عليه في الفقه و الاصول بعض الافاضل. توفي ﷺ حدود ١٣٤٠ في كربلاء المقدسة و دفن بها. يروي عن العلامة السيد مرتضى الكشميري و شيخ الشريعة الاصفهاني بطرقهما.^٢

٩. و أروي عن العلامة المتكلم الناظر المناظر حجة الاسلام و المسلمين السيد كلب مهدي الحائري الهندي الجائسي الاصل.^٣

١. الاجازة الكبيرة، ص ١٢٠.

٢. همان، ص ١٢٩.

٣. سيد كلب مهدي بن سيد كلب باقر بن سيد كلب حسين نقوي جائسي الاصل حائري المسكن و المدفن (متوفى ١٣٥٤ ق/ ١٩٣٥ م)، عالم فاضل، متكلم مناظر جليل القدر.

وي ابتدا در نجف اشرف نزد مولى آخوند خراسانى، صاحب كفاية و سيد محمد كاظم طباطبائى يزدي دانش آموخت. سپس به كربلايى معلى مهاجرت كرد و در آنجا اقامت نمود و به اقامه جماعت و تدريس مشغول شد. او در صحن شريف حسيني اقامه نماز جماعت مى كرد. از آثار او مى توان كتاب شرح على التجريد علامه را نام برد. وي در حدود ١٣٥٤ قمرى به نوشته آقا بزرگ تهرانى و حدود ١٣٤٩ قمرى به نوشته آيت الله مرعشى نجفى ﷺ در كربلا ديده از جهان فرو بست و در همانجا نيز به خاک سپرده شد.

پدرش سيد كلب باقر بن سيد كلب حسين جائسي از علما و متكلمين بود و صاحب منظومه اى مشهور در علم كلام: الذريعة، ١/ ٦٥ و ٩/ ١٢٠٠، ٩١٤؛ الاجازة الكبيرة، ص ١٢٨-١٢٩؛ المسلسلات فى الاجازات ٢/ ٤٤٦؛ اعيان الشيعة، ٩/ ٣٢.

ميراث شهاب

الرحلة الكربلائية

كان من تلامذة المولى الآخوند الخراساني و السيد محمد كاظم الطباطبائي اليزدي؛ ثم هاجر الى كربلاء المقدسة واشتغل بالتدريس و امامة الجماعة في الصحن الشريف الحسيني. من تأليفاته: شرح على التجريد للعلامة و له ذرية مباركة توفي في سنة ١٣٤٩. يروي عن عدة منهم: والده العلامة المتكلم السيد كلب باقر الجائسي صاحب المنظومة الشهيرة في علم الكلام و غيرها.^١

١٠. و أروي عن شيخي و استاذي العالم الجليل و الحبر النبيل حجة الاسلام والمسلمين الميرزا محمد الهندي الحائري.

كان في احد العلماء و المعاريف في كربلاء المقدسة و تخرج على العلامة الآية الله الفاضل الاردكاني و الشيخ زين العابدين المازندراني الحائري وكان في يد رس و امام الجماعة في الحضرة الحسينية، خلف الرأس الشريف.

توفي حدود سنة ١٣٤٢ في كربلاء و دفن في الصحن الشريف. له منظومات في الفقه و الاصول و الكلام. يروي عن عدة منهم: شيخه العلامة السيد حسن الكشميري الرضوي الهندي، نزيل كربلاء المشرفة عن عدة منهم: شيخه شيخنا المرتضى الانصاري بطريقه حيلولة و عن السيد حسن الكشميري عن العلامة الشيخ زين العابدين المازندراني بطريقه.^٢

١١. و أروي عن العالم الزاهد، المنقطع عن الخلق، المنزوي، عاكف حرم الامام سيد الشهداء، مولانا الحسين - عليه الآف التحية والسلام - حجة الاسلام السيد محمد حسين الحسيني الاسليمي اليزدي.

كان من العلماء الابرار ولد ١٢٨٧ و تعلم المبادي و المقدمات في يزد، ثم في اصفهان و بعد ذلك انتقل الى كربلاء المقدسة و اشتغل عند العلامة الحاج الميرزا محمد حسين المرعشي الشهرستاني و الفاضل الاردكاني و الشيخ زين العابدين المازندراني، ثم اشتغل بالتدريس برهة من الزمن و بعد ذلك ترك التدريس و اشتغل بالعبادة و الانزواء الى أن انتقل الى جوار ربه في حدود سنة ١٣٤٥ هـ.

يروي عن عدة منهم: العلامة السيد مرتضى الكشميري و استاذه المرعشي

١. الاجازة الكبيرة، ص ١٢٨ - ١٢٩.

٢. همان، ص ١٣٦ - ١٣٧.

میراث شهاب

الشهرستاني بطرقهما.^۱

۱۲. و أروي عن شيخي الزاهد حجة الاسلام و المسلمين المولى محمد مهدي البنابي الحائري.

ولد في بناب - و هي مدينة في آذربايجان - و تعلم المبادي و المقدمات في تبريز، ثم هاجر الى العتبات المقدسة و هبط نجف الاشرف فحضر بحوث العلامة الحاج السيد حسين الكوه كمرى و المولى الفاضل الايرواني و الشيخ محمد حسن المامقاني و الميرزا حبيب الله الرشتي و نال قطعاً و افرأ من الفضل و العلم و انتقل الى كربلاء المقدسة و حضر مدة بحث الفاضل الاردكاني و شيخ زين العابدين المازندراني، ثم اشتغل بالتدريس. توفي حدود سنة ۱۳۴۱ في كربلاء المقدسة و دفن بها.^۲

۱۳. و أروي عن الزاهد العابد العالم العارف حجة الاسلام و المسلمين آية الله استاذي الشيخ موسى القرميسيني (الكرمانشاهي) الاصل ابن محمد جعفر المعروف بـ «كتابفروش» بن محمد باقر بن محمد كريم القرميسيني.^۳

ولد في كرمانشاه و هاجر مع ابيه في صغره الى كربلاء المقدسة، حيث أن والده كان ملازماً للفاضل الاردكاني.

قرأ المقدمات و المبادي في كربلاء المقدسة، ثم اشتغل عند اعلامها بالفقه و الاصول و سائر العلوم الاسلامية و اختص بالميرزا محمد حسين الحسيني المرعشي الشهرستاني المتوفي سنة ۱۳۱۵ و بعد وفاة استاذه استقل بالتدريس الى أن توفي في ۲۱ محرم ۱۳۴۳ و دفن بالحائر الشريف الحسيني.

۱. همان، ص ۱۷۸.

۲. همان، ص ۲۱۵.

۳. موسى بن محمد جعفر كتابفروش بن محمد باقر بن محمد كريم كرمانشاهي (متوفى ۱۳۴۰ یا ۱۳۴۳ ق/ ۱۹۲۱ یا ۱۹۲۴ م)، عالم فاضل و فقيه اصولی و عابد عارف.

وی در کرمانشاه با به هستی نهاد، اما تاریخ تولد او دانسته نیست. ایشان در سنین کودکی با پدر خود به کربلا مهاجرت کرد و در آنجا مقدمات و مبادی را فرا گرفت، سپس نزد بزرگان، فقه و اصول و سایر علوم اسلامی را آموخت و جزو مختصین میرزا محمد حسین مرعشی شهرستانی قرار گرفت و سپس به تدریس و تألیف پرداخت. آثار و تألیفات او عبارتند از: تحقیق الاحکام؛ شرح البصرة؛ اللقطات و کتاب الطهارة که همه را آقا بزرگ نزد سید عباس کاشانی، به خط مؤلف دیده است. آثار دیگر او احقاق الحق و لطائف الدرر در فقه است. آقا بزرگ تهرانی نیز، از او اجازه گرفته و روایت کرده است: الاجازة الكبيرة، ص ۲۲۶ - ۲۲۷؛ المسلسلات في الاجازات، ۷۷/۲؛ معجم المؤلفین، ۹۳۱/۳؛ الاعلام زرکلی، ۲۷۰/۸؛ معجم المؤلفین العراقيين، ۳۷۱/۳؛ الذريعة، ۴۸۱/۳ و ۱۳۷/۱۳ و ۱۸۷/۱۵ و ۳۳۸/۱۷.

ميراث شهاب

الرحلة الكربلائية

له مؤلفات منها، كتاب تحقيق الاحكام و رسالة في المنطق. يروي عن عدة منهم: استاذه و شيخه العلامة الميرزا محمد حسين الحسيني المرعشي الشهرستاني بطريقه.^١
١٤. و أروي عن العالم الجليل حجة الاسلام و المسلمين المولوي ودود الله الهندي، نزيل كربلاء المقدسة و المتوفي بها في حدود سنة ١٣٤٠.

ولد في الهند و درس على المفتي المير محمد عباس الجزائري، صاحب كتاب: دوايح القرآن في فضائل امراء الرحمن، ثم هاجر الى كربلاء المقدسة و اشتغل بالتحصيل عند اعلامها كالسيد محمد حسين المرعشي الشهرستاني و غيره و نال مرتبة سامية من العلم و الفضل و بعد ذلك انصرف بالتدريس الى أن توفي و دفن بالحائر الشريف الحسيني.

يروى عن عدة منهم: استاذه و شيخه المفتي مير محمد عباس عن سيد العلماء السيد حسين النقوي و هو عن أخيه سلطان العلماء السيد محمد و هو عن ابيه العلامة السيد دلدار علي اشتهر بـ «غفران مأب»، صاحب كتاب عماد الاسلام في علم الكلام بطريقه.^٢

١٥. و أروي عن الفاضلة العالمة الجليلة ثريا خانم المحسني.
كانت تسكن كربلاء المقدسة و حضرت على الميرزا محمد الهندي - امام الجماعة خلف رأس الامام الحسين عليه السلام - في الفقه و الاصول و الحديث و تروي عنه و الميرزا محمد يروي عن ثقة الاسلام النوري و ثريا خانم كانت تدرس بعض النساء الفقه و الاصول و الحديث.^٣

١٦. و أرودي عن العالمة المدرسة خانم أمينة الشهيرة بـ «خانم قرائت الشيرازية». ولدت في شيراز و تتلمذت عند الميرزا ابراهيم المحلّاتي و الميرزا هداية الله الشيرازي، ثم سكنت كربلاء المقدسة و كانت تدرس الكتب الاربعة للنساء.
توفيت في سنة ١٣٤١ في كربلاء المقدسة و دفنت بها. تروي عن عدة منهم: العلامة الميرزا ابراهيم المحلّاتي و الميرزا هداية الله الشيرازي بطرقهما.^٤

١. الاجازة الكبيرة، ص ٢٢٦ - ٢٢٧ و ٢٤٨.

٢. همان، ص ٢٤٣.

٣. همان، ص ٢٤٦.

٤. همان، ص ٢٤٦ - ٢٤٧.

میراث شہاب

۱۷. و أروي عن العالمة الجليلة الادبية الشاعرة خانم ضیافت الشیرازی. ولدت في شیراز و تتلمذت في الادب على الشيخ المفید الذي كان من الادباء و الشعراء المتخلص في شعره بـ «داور» و كان يسكن احدى حجرات الصحن الشريف لاحمد بن الامام موسى بن جعفر المعروف بـ «شاه چراغ» و هو استاذ فرصت الدولة الشیرازی صاحب كتاب آثار العجم و السيد محمد المقدسي صاحب الخط الحسن الذي كتب ديوان الحافظ الشیرازی و طبع و له: شرح على زيارة العاشوراء.

ثم هاجرت خانم ضیافت الى كربلاء المقدسة و اشتغلت بتعليم الفقه و الاصول و نالت المدارج في الفضل. توفيت حدود سنة ۱۳۴۲ في كربلاء المقدسة و دفنت بها. تروي عن عدة منهم: السيد مرتضى الكشميري بطريقه الذي ذكرته في سرد مشايخها شفهيًا.^۱